

محاكمه

نویسنده: کریس بوجالین

مترجم: مهرداد بازاریاری



کتابسرای تندیس

ISBN: 978-600-182-220-9

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه کتابسرای تندیس قابل تکثیر یا تولید مجدد یا هیچ شکل از جمله دیجیتال، چاپی، فیزیکی، الکترونیکی، فایم و غیره نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مولفان و مصنفان ایران قرار دارد.

پیشگفتار

در طول آن تابستان طولانی، قبل از شروع محاکمه مامان و بعد در خلال روزهای حساس و شکننده پائیز، زمانی که جزئیات زندگی خصوصی مامان در دسترس همه اهالی شهر قرار گرفت و شهرتش خدشه‌دار و دانش و تخصصش مردود شناخته شد، خیلی بیشتر از چیزی که والدینم تصور می‌کردند شنیدم و بسیار زیادتر از تمایل‌شان فهمیدم.

نیمه‌های شب، وقتی والدینم تصور می‌کردند که ساعت‌ها قبل خوابیده‌ام، از خلال کانال تعبیه شده در کف اتاقم، بحث‌های آن‌ها را با وکیل مادرم می‌شنیدم. اگر مامان، بابا و آن وکیل سه نفری به آشپزخانه می‌رفتند که گاهی از آن به عنوان دفتر کار و اتاق معاینه استفاده می‌شد، تا دنبال مدرک قدیمی قبل از تولد یک بیمار بگردند، کف اتاق دراز می‌کشیدم و از طریق شبکه بالای سینک ظرفشویی به گفتگوی‌شان گوش می‌دادم. و چون هرگز جرئت نمی‌کردم حین حرف زدن تلفنی مامان به گوشی طبقه بالا دست بزنم، اغلب پاورچین به طبقه پایین می‌رفتم تا صدای گفتگوی تلفنی او را بشنوم. از این طریق به خیلی از گفتگوهای او گوش دادم. ایستاده روی پله‌های پایینی؛ طوری که دیده نشوم.

فصل اول

بچه که بودم عادت داشتم همان طور که دیگر بچه ها از کلمات باسن و شرمگاه یا استفراغ استفاده می کنند، من از واژه های علمی زایمان استفاده کنم. آن کلمات دقیقاً ناسزا نبودند، ولی می دانستم خیلی نزدیک به چیزی است که موجب شوکه شدن بزرگ ترها می شود. خیلی از آن ها کلماتی بودند که در هر خانه ای، غیر از خانه ما، به شکلی غیر عاطفی به یکی از اعضای جنسی انسان یا یک عملکرد جنسی خاص اشاره داشت، درست مثل استفراغ کردن که جزو عملکرد اولیه بدن است.

یادم می آید یک روز بعد از ظهر با دوستم رولی مک کنا^۱ بازی می کردم. آن روز مادرش از مونت پلیر^۲ مهمان داشت. در یکی از آن روزهای نادر ورمونت با آسمان آبی تقریباً شبیه چراغ های نئون. از آن رنگ های آبی که اغلب در ماه ژانویه شاهدش هستیم. وقتی دمای هوا زیر صفر درجه است و دود اجاق چوب سوز همسایه به محض بیرون آمدن از دودکش یخ می زند. از آن روزهایی که به ندرت در ژوئن یا جولای می بینیم.

آن مهمان هم مثل خود خانم مک کنا در بخش آموزشی ایالت کار می کرد. دو

1 Rollie McKenna

2 Montpelier